

Assessing the Relationship between Forms of Spatial Inequalities and Sustainable Development in Iran

Moosa Anbari^{1*}. Marjan Khaksari Renani²

1. Professor, Social Development Department, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran

2. PhD Candidate in Sociology of Social Development, Social Development Department, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Received : 2024-12-04

Accepted: 2024-12-31

Introduction

Spatial inequalities and income and capital gaps between different regions of society are among the key obstacles to achieving sustainable development. Inequalities between underprivileged and developed regions (whether border or non-border) and the urban-rural divide are the most prominent examples of spatial and regional disparities. These inequalities have a dual effect on the development trajectory of countries: on one hand, they exacerbate poverty in underprivileged regions, and on the other, they create instability, disunity, and heterogeneity in development, as well as social exclusion and unequal access to services and facilities. The classical development model, with its point-oriented and disaggregated approach, treated regions, including cities and villages, as independent entities, viewing growth and development as isolated "points" rather than a continuous process. However, in the context of sustainable development, this sector-oriented approach has been criticized. Instead, the idea of spatial integration, urban-rural continuity, and a "spatial" approach has gained traction. This approach emphasizes analyzing population dynamics, social interactions, economic exchanges, and the flow of goods and information between regions. According to Iranian researchers, the country's development plans and strategies have historically been "sector-oriented" and "centralized," paying insufficient attention to the destructive consequences of spatial inequalities between provinces and urban-rural areas. This paper evaluates Iran's spatial planning system over the last four decades, focusing on demographic indicators, poverty

* Corresponding author, Email: anbari@ut.ac.ir



Copyright© 2025, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.



rates, welfare, and information flow. It also proposes several macro-level policies to address these gaps and inequalities, with the hope that they will be incorporated into the country's macro-level documents and annual development plans.

Methodology

This research employs a descriptive-analytical method, relying on the "secondary analysis" of existing data. It examines the degree of integration or disparity between urban and rural areas in Iran over the last four decades, focusing on variables such as population settlement patterns, major economic and production sectors, poverty distribution, and income and expenditure gaps.

Results

An evaluation of Iran's spatial planning system reveals that its sector-oriented and non-planning approach, emphasizing "centralization" and "urbanization," has exacerbated inequalities between peripheral and central regions, as well as between urban and rural areas. Over the past four decades, excessive and uneven urbanization has disrupted the stability and balance of populations in small urban areas and rural regions. This planning approach has overlooked regional and local capacities, with large cities indiscriminately absorbing the working population and creating pockets of poverty in marginal and rural areas.

Despite a significant reduction in absolute poverty nationwide, rural populations, particularly in underprivileged areas, continue to bear the brunt of poverty. Income and expenditure indicators also favor urban dwellers. However, macro-level data suggests that where urban-rural linkages have been established and strengthened, regional and urban-rural inequalities have decreased.

Discussion and Conclusion

Sustainable development requires reducing inequalities in access to services, facilities, capital, and population distribution. In Iran, despite progress in welfare facilities and services and a significant reduction in absolute poverty, the distribution of these resources remains uneven across regions and populations. Income and expenditure indicators reveal persistent gaps between urban and rural areas that cannot be fully addressed through government subsidies or livelihood assistance. In terms of information and communication, the gap in



internet access between poor and non-poor populations is significant, reflecting broader regional and provincial inequalities. Cities generally enjoy better facilities and services than villages, with cities in the northern and central regions faring comparatively better. Overall, macro-level data supports the claim that Iran faces spatial imbalances, and the planning system has struggled to address these disparities. However, where urban-rural linkages have been strengthened, regional inequalities have diminished. In recent years, rural and agricultural communities in Iran have faced challenges such as drought and water shortages, intensifying poverty in these areas. One way to bridge the rural-urban divide is to enhance the resilience and empowerment of farmers and rural workers, enabling them to thrive in rural businesses. Opportunities for non-farm employment should be developed alongside agriculture. Economic, industrial, and service opportunities can help maintain connectivity between villages, manufacturing centers, and cities. Additionally, steps must be taken to reduce inequalities in communication and information infrastructure and improve access to basic health and welfare facilities.

Keywords: Spatial Inequality, Urban-Rural Gap, Sustainable Development, Poverty, Population, Income Gap



بررسی ارتباط نابرابری‌های فضایی و ناپایداری توسعه در ایران

موسی عنبری^{۱*}، مرجان خاکساری رنانی^۲

۱. استاد گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

امروزه وجود نابرابری‌های فضایی و فاصله‌های درآمدی و سرمایه‌ای میان نواحی مختلف جامعه، به‌عنوان یکی از موانع مهم توسعه پایدار به‌حساب می‌آید. نابرابری‌های میان مناطق کم‌برخوردار (مرزی یا غیرمرزی) و مناطق برخوردار از توسعه، و شکاف‌های شهری - روستایی، مهم‌ترین مصداق نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای هستند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های موجود، میزان یکپارچگی یا شکاف مناطق شهری و روستایی ایران را برحسب چهار متغیر مکان‌های استقرار جمعیت، بخش‌های عمده اقتصادی و تولیدی، میزان و توزیع فقر، و شکاف درآمدی و هزینه‌ای در چهار دهه اخیر مورد مطالعه قرار داده است. ارزیابی عملکرد نظام برنامه‌ریزی فضایی در کشور نشان می‌دهد این نظام با نوعی رویکرد بخشی و غیرآمایشی، با تأکید بر دو محور «تمرکزگرایی» و «شهرگرایی»، بر نابرابری و فاصله میان مناطق پیرامونی و مناطق مرکزی کشور از یک سو و مناطق شهری و روستایی از سوی دیگر افزوده است. طی چهار دهه اخیر، نوعی شهرنشینی روزافزون، بی‌رویه و گاهی ناموزون به ضرر پایداری و تعادل جمعیت در مناطق شهری کوچک و مناطق روستایی اتفاق افتاده که لزوماً با ظرفیت‌های منطقه‌ای متناسب نبوده است. شهرهای بزرگ جاذب جمعیت کار، نوعی زندگی توأم با فقر را در بخش‌های حاشیه‌ای و روستایی ایجاد کرده است. در طی این سال‌ها، با وجود کاهش معنادار فقر مطلق در جامعه، همچنان بار فقر بر دوش روستاییان، آن‌هم بیشتر در مناطق کم‌برخوردار سنگینی می‌کند. شاخص‌های درآمد و هزینه نیز به نفع شهرنشینان بوده است. به‌طور کلی داده‌های کلان در کشور نشان می‌دهد هرجا پیوندهای شهری - روستایی برقرار و تقویت شده، نابرابری‌های منطقه‌ای و شهری - روستایی کاهش یافته است.

کلمات کلیدی: نابرابری فضایی، شکاف شهری - روستایی، توسعه پایدار، فقر، جمعیت، شکاف درآمدی.

۱. مقدمه

در حال حاضر نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای اثری دوگانه بر مسیر توسعه کشورها دارد؛ از یک سو به گسترش دامنه فقر در مناطق کم‌برخوردار می‌انجامد، از سوی دیگر، شکل جدیدی از نابرابری، ناپایداری، قطبی شدن و ناهمگونی در توسعه و همچنین نافرآگیری اجتماعی از حیث خدمات و امکانات در مناطق شهری و روستایی کم‌برخوردار را دامن می‌زند.

الگوی کلاسیک توسعه، با رویکردی بخشی و مجزائگر، شهر و روستا را دو هستی مستقل از هم در نظر می‌گرفت و رشد و تحول «نقطه‌ای» را معیار قرار می‌داد. اما امروزه این رویکرد بخشی، مورد انتقاد قرار گرفته و با توجه به موفقیت‌های اندک آن، موضوع یکپارچگی فضایی و پیوستگی شهری - روستایی و نگرش «پهنه‌ای» مبتنی بر رویکردهای فضایی - منطقه‌ای در مباحث توسعه به‌ویژه توسعه پایدار مطرح شده است.

در دهه‌های اخیر، موضوع ارتباط میان مناطق کم‌برخوردار و توسعه‌یافته، رویکردها و مراحل متفاوتی را به خود دیده است. در بحث پیوندهای شهری - روستایی، در زمینه افزایش تحرک جمعیت و تعاملات اجتماعی، مبادلات اقتصادی، مبادله کالا و اطلاعات و تخصیصی شدن کاربری اراضی (تولید، گردشگری، مسکن و غیره)، ادبیات گسترده‌ای به‌وجود آمده است. درواقع گفته می‌شود «بسیاری از شهرهای کشور، قادر به تأمین مواد اولیه غذایی مورد نیاز جمعیت روزافزون خود نیستند و از سوی دیگر توسعه عمومی کشور و تأمین امنیت غذایی به‌لحاظ راهبردی، روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد، بنابراین از میان برداشتن نابرابری‌های بین سکونتگاهی، به‌ویژه رشد و توسعه زندگی و فعالیت در محیط‌های روستایی، از اولویت‌های نخستین رشد و توسعه سرزمین به‌شمار خواهد آمد» [۱]. نواحی مختلف کشور ازجمله مناطق روستایی و شهری به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به هم مرتبط و وابسته هستند. با روند فعلی شهرنشینی سریع و عمدتاً بدون برنامه، شهرها به کانون تقاضای منابع طبیعی مانند غذا، انرژی و آب تبدیل شده است که معمولاً این منابع، بیشتر از مناطق روستایی تأمین می‌شود. درحالی که جمعیت روستایی به‌دنبال معیشت و کیفیت زندگی بهتر به مناطق شهری مهاجرت می‌کنند، نیاز به منابع برای جمعیت شهری که به‌طور تصاعدی در حال رشد است، به نگرانی جدی دولت‌ها تبدیل شده است. درواقع به همان نسبت که جمعیت روستایی کاهش و جمعیت شهری افزایش می‌یابد، اهمیت نواحی روستایی برای تأمین نیازهای فزاینده شهرها بیشتر می‌شود [۲].

به‌زعم پژوهشگران، برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های توسعه کشور، پیوسته «بخشی‌نگر» و «تمرکزگرا» بوده‌اند و کم‌تر به پیامدهای برخاسته از این رویکرد، یعنی گسترش نابرابری‌های فضایی میان استان‌ها و مناطق شهری و روستایی توجه کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد با تأکید بر موضوع شکاف‌های شهری و روستایی، برحسب شاخص‌های جمعیت، معیشت و میزان فقر، نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور را در چهار دهه اخیر مورد ارزیابی قرار دهد. با این امید

که برای رفع این شکاف‌ها و نابرابری‌ها، به‌عنوان اولین اقدام توسعه‌ای، تدابیر مختصری پیشنهاد شود و در اسناد بالادستی و برنامه‌های پنج‌ساله کشور مورد توجه قرار گیرد.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

مطالعات درباره نابرابری فضایی، به‌ویژه نابرابری‌ها و شکاف‌های شهری - روستایی، در ادبیات توسعه جایگاه مهمی دارند. سازمان ملل^۱ [۳]، سازمان همکاری‌های اقتصاد و توسعه^۲ [۴] و برنامه اسکان سازمان ملل^۳ [۵؛ ۶]، مطالعات و پروژه‌های وسیعی در این زمینه به‌ویژه معطوف به کشورهای درحال توسعه داشته‌اند. در این راستا، بانک جهانی^۴ [۷] ذیل اقدامات جهانی در حوزه فقر، در «گزارش شناخت فقر در ایران» نشان می‌دهد که میان مناطق مختلف کشور خاصه نواحی روستایی و شهری، در زمینه‌های متعددی، نابرابری‌های فضایی وجود دارد.

مطالعات صورت‌گرفته در ایران نیز بیانگر این است که مواهب توسعه‌ای، منابع و امکانات بیشتر در مناطق مرکزی متمرکز است [۸؛ ۹] و مناطق مرزی به‌ویژه جنوب شرقی و غرب کشور از سطح توسعه‌یافتگی کم‌تری برخوردارند و بالاترین میزان بیکاری و مهاجرفرستی را دارند [۱۰]. همچنین، محرومیت و فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر بوده است [۲؛ ۱۱] بنابراین، باید درنظر داشت که رویکرد فضایی از رهگذر پیوندهای روستا - شهری و شبکه‌های محلی مناسب‌ترین عرصه برای برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه‌ای هستند [۱۲].

مفهوم نابرابری اغلب به «تفاوت فردی، مکانی یا دسترسی به کالا» [۱۳] و «نامساوی بودن مردم یک جامعه در بهره‌بردن از امکانات و رفاه اجتماعی - اقتصادی» [۱۴] اطلاق می‌شود. نابرابری فضایی معمولاً با معیاری از توزیع نابرابر درآمد، ثروت، قدرت، منابع بین مردم در مکان‌های مختلف [۱۳] و «توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی» [۱۵] شناسایی می‌شود. برای تعریف و سنجش نابرابری فضایی، مقولاتی مانند شکاف درآمدی [۱۶]، رفاه و توزیع فقر [۷]، دسترسی به امکانات و خدمات [۱۷]، کیفیت اینترنت [۱۸] و غیره، به‌کار گرفته شده‌اند. با توجه به مقتضیات تحقیق، در اینجا بر جمعیت، امکانات و خدمات، توزیع فقر، معیشت و درآمد تأکید شده است.

نابرابری فضایی یا نابرابری منطقه‌ای در هر جامعه‌ای اشکال مختلفی دارد. نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری درون شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق کم‌برخوردار و مناطق برخوردار، نمونه‌ای از نابرابری‌های فضایی و ناپایداری و ناتوانی در توسعه یک جامعه به حساب می‌آیند. اگر بخواهیم مفهوم برابری از یک سو و توسعه پایدار (یعنی برآوردن نیازها بدون به‌خطر انداختن ظرفیت‌های نسل آینده [۱۹]) را از سوی

1. United nations (UN)
2. Organization for Economic Co-operation and Development
3. UN-Habitat
4. World Bank

دیگر به سطح فضا و به عبارتی روابط و قواعد حاکم بر مکان بسط دهیم و رویکردی فضایی به آن داشته باشیم، «توسعه‌ای را می‌توان پایدار و متوازن دانست که امکان برآوردن نیازهای جمعیت یک قلمرو یا منطقه را بدون به خطر انداختن توانایی ساکنان سایر مناطق برای برآوردن نیازهای خود، فراهم کند» [۲۰].

برنامه‌ریزی فضایی ابزاری کلیدی برای «تقویت یکپارچگی میان بخش‌های مختلف از جمله، مناطق مسکونی، حمل‌ونقل، انرژی و صنعت و بهبود نظام‌های ملی و محلی توسعه شهری و روستایی است و درعین حال حفاظت محیط زیست را در نظر دارد» [۳].

در بحث برنامه‌ریزی‌های فضایی و ملی، موضوع پیوندهای منطقه‌ای، ظرفیت‌های سرزمینی و عدالت توزیعی، شاخص‌های محوری به حساب می‌آیند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در این زمینه، یکپارچگی و ارتباط شهری - روستایی است که یکی از پنج برنامه اصلی برنامه اسکان بشر سازمان ملل بوده و تاکنون در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ دو نشست بین‌المللی نیز از طرف این نهاد در همین زمینه برگزار شده است. همچنین گزارشات و ویژه‌نامه‌های خبری متعدد با موضوع پیوندهای شهری - روستایی از طرف این نهاد منتشر می‌شود [۲].

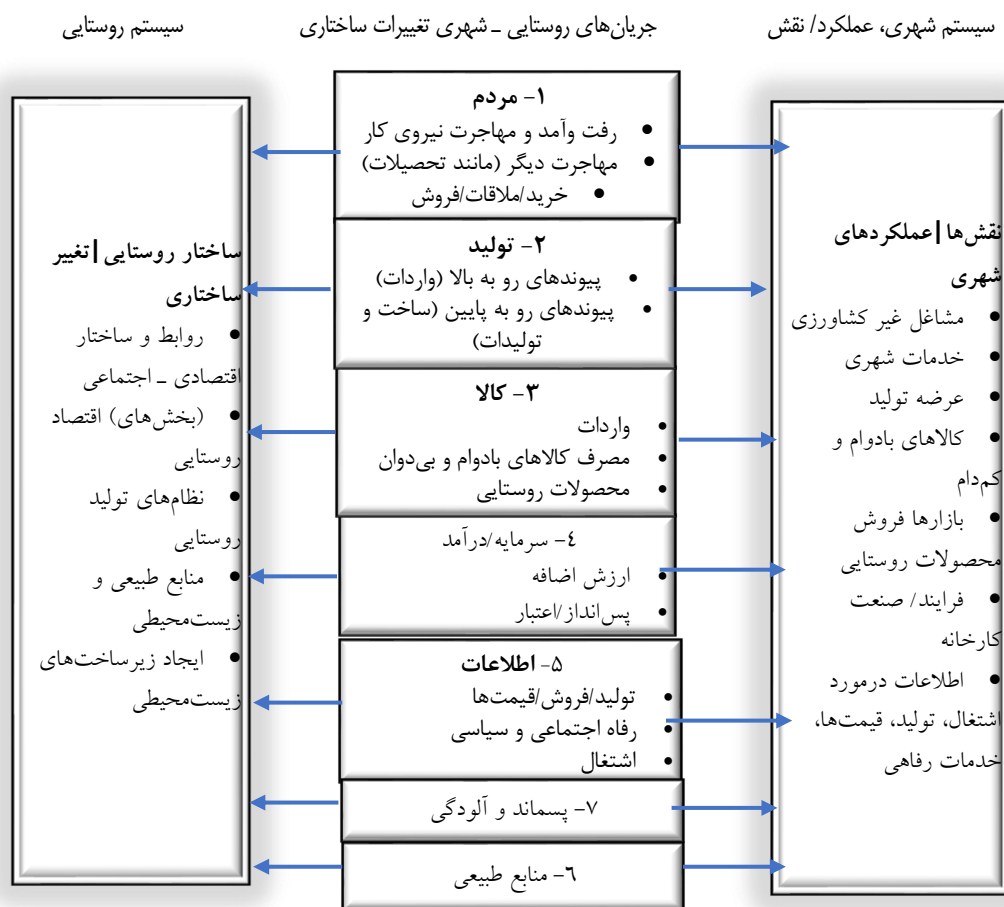
پیوندها و ارتباطات میان نواحی شهری و روستایی جنبه‌های گوناگون را دربر می‌گیرند: ۱. سرمایه انسانی و جمعیتی؛ ۲. سرمایه‌گذاری و معاملات اقتصادی؛ ۳. تعاملات حکمرانی؛ ۴. امکانات رفاهی و محیط زیست؛ ۵. خدمات و تولیدات؛ ۶. داده و اطلاعات - به همراه ساختارهای مختلف حمایت‌کننده (یا محدودکننده) که عبارت‌اند از: زیرساخت‌ها، ساختارهای اقتصادی، منطقه‌ای و حکمرانی [۵].

هدف ۱۱ (از اهداف هفده‌گانه) توسعه پایدار (SDGs) با موضوع «ایجاد شهرها و سکونتگاه‌های انسانی فراگیر، ایمن، تاب‌آور و پایدار»، بر «حمایت از پیوندهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مثبت میان نواحی شهری، پیراشهری و روستایی از طریق تقویت برنامه‌ریزی توسعه ملی و منطقه‌ای» تأکید دارد [۶].

«سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»، پیوندهای شهری - روستایی را به عنوان یکی از هشت مؤلفه اصلی پارادایم نوین توسعه روستایی معرفی می‌کند؛ در این رویکرد، معیشت روستا عمدتاً به عملکرد نیروی کار مراکز شهری، دسترسی به کالاها، خدمات و فناوری و همچنین تراوش افکار شهری وابسته است. از این منظر، استراتژی موفق روستایی نباید محیط روستا را هویت و هستی منفصل تلقی کند، بلکه باید بر لزوم پیوند شهر و روستا تأکید کند [۲۱]. هم‌زمان با تأکیدات سازمان‌های جهانی، اندیشمندان و محققان حوزه برنامه‌ریزی‌های فضایی و منطقه‌ای نیز بر پیوندها و لزوم توازن پایدار میان نواحی مختلف تأکید می‌کنند. برای مثال مایک داگلاس [۲۲] پنج جریان و رابطه میان شهر و روستا را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: پوشش‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی، جریان تولید، کالا، سرمایه و

اطلاعات. آلن، سیلوا و کوربلو^۵ در مطالعات خود، دو جریان دیگر منابع طبیعی و پسماندها را به آن اضافه می‌کنند [۲۳] (شکل ۱).

شکل ۱: انواع جریان‌های روستایی - شهری



منبع: [۲۲؛ ۲۳]

داگلاس دو دهه بعد از مطرح شدن رویکرد موسم به «اگروپولیتن»، استراتژی «شبکه منطقه‌ای»^۶ را ارائه کرد که در آن نیز پیوندهای روستا - شهری و وابستگی‌های متقابل میان آن‌ها مطرح می‌شود و تفکیک‌های روستایی و شهری را رد می‌کند [۲۴].

5. Corubolo
6. regional network

آنجل گاریه محقق توسعه و دبیر کل سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، به‌عنوان یافته‌ها و تجارب حاصل از مطالعه توسعه در کشورهای مختلف، برای تقویت ارتباط بین مناطق روستایی - شهری دو راهکار ارائه می‌دهد:

۱. «ایجاد شهرهای میانی»^۶ که نقش کلیدی در ایجاد پیوند میان شهرهای بزرگ و مناطق روستایی دارند. این نواحی به‌عنوان منطقه استراتژیک می‌توانند جریان کالاها و خدمات را بین نواحی روستایی و شهرهای بزرگ‌تر تسهیل و رقابت میان عمده‌فروشان و واسطه‌ها را زیاد کنند؛ با اشاعه فناوری‌ها، به‌عنوان بازارهای تولیدات مناطق روستایی و عامل افزایش بهره‌وری کشاورزی عمل کنند؛ سرمایه‌گذاری لازم در خدمات عمومی برای مناطق مجاور را مهیا کنند؛ و همچنین این نواحی عرضه‌کننده فرصت‌های بیشتری برای مشاغل غیر زراعی هستند، به‌گونه‌ای که افزایش سطح زندگی و تنوع‌بخشی را به‌دنبال دارند.

۲. «بهره‌گیری مناسب از مهاجرت‌های درونی و بین‌المللی»؛ عنصر اصلی توسعه، مهاجرت افراد جویای کار از مناطق روستایی به مناطق شهری یا خارج از آن است. این عنصر یکی از کارآمدترین شیوه‌ها برای ارتقای فرصت‌های معیشتی روستاییان به‌شمار می‌آید. این ظرفیت بهترین سازوکار برای کشورهایی از قبیل چین است که بیشترین مهاجرت داخلی در طول تاریخ، با بیش از ۳۰۰ میلیون خانواده کارگر روستایی به مناطق شهری به امید جست‌وجوی مشاغل بهتر و فرصت‌های معیشتی مناسب‌تر را تجربه کرده است. با وجود این، مهاجرت‌های روستا به شهر در کشورهای درحال توسعه چندان مؤثر و کارآمد نبوده‌اند، زیرا بخش تولید این کشورها در طول انقلاب صنعتی رشد نکرده است. حتی بخش شهری با مشاغل زیاد بخش خدمات، دیگر قادر به جذب مهاجرت‌های گسترده از مناطق روستایی نیست. در نتیجه مهاجرت از روستا به شهر (در کشورهای درحال توسعه) به رشد حومه‌های شهری حوالی شهرهای اصلی انجامیده است [۲۱].

برای کاهش مهاجرت، علاوه بر بهبود فرصت‌های معیشتی در مناطق پیرامونی، محلی و روستایی، راه‌های دیگری وجود دارد که دولت می‌تواند برای حمایت از مهاجران، انجام دهد، از جمله: سرمایه‌گذاری در انواع آموزش‌ها و مهارت‌ها برای افرادی که قصد مهاجرت به مناطق شهری و غیرشهری دارند کمک خواهد کرد تا مشاغل بهتری پیدا کنند؛ ترویج اطلاعات مربوط به فرصت‌های شغلی یا شناسایی منافع مهاجران در مکان مقصد با حمایت بهتر از آن‌ها؛ ایجاد سازوکارهای تغییر وجوه انتقالی افرادی که به مناطق شهری یا خارج مهاجرت کرده‌اند، یا افرادی که قصد برگشت به موطن اصلی‌شان را دارند.

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، بر مبنای «تحلیل ثانوی» و «آمارهای موجود» [۲۵] انجام شده است. در این روش اساساً بر تحلیل داده‌های موجود تمرکز می‌شود تا گردآوری داده. از این‌رو، میدان و فراخوانی این مطالعه، مجموعه‌ای از داده‌های کلان و آمارهای سازمانی، ملی، بین‌المللی و گزارش محققان دانشگاهی بوده است. سالنامه‌های آماری، گزارش‌های مرکز آمار ایران، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش‌های سالانه بانک جهانی و سازمان ملل متحد، مهم‌ترین منابع اخذ داده‌ها در این پژوهش هستند. در این تحلیل به بررسی تحولات شاخص‌های مهاجرت (توزیع جمعیت)، معیشت، فقر و درآمد در مناطق شهری - روستایی و مقایسه تغییرات آن‌ها در چهار دهه اخیر پرداخته شده است. از این گونه تحلیل‌ها، می‌توان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولتی بهره جست.

۴. نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران: شکاف‌های شهری - روستایی

متخصصان می‌گویند «برنامه‌ریزی فضایی، نوعی نگرش تکوین‌یافته در برنامه‌ریزی منطقه‌ای به‌شمار می‌رود که در ایران در قالب برنامه آمایش سرزمین، از نیمه اول دهه ۱۳۵۰ خورشیدی به‌طور عملی مورد بحث قرار گرفته است» [۲۶]. این بحث خاصه با عنوان طرح‌های ساماندهی و با هدف پیوند شهر و روستا، در برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه کشور دنبال شد. برای مثال طرح‌های «سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی» در قالب برنامه‌ریزی فضایی (با تأکید بر پرهیز از یکسان‌نگری به روستاها)، طرح‌های «تجمع»، طرح «ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی» (به منظور توسعه هماهنگ روستاها، در هماهنگی با نظام و شبکه شهری)، همگی در همین راستا بوده‌اند. در سال‌های اجرای برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، اندیشه «پیوستگی روستایی - شهری» در قالب طرح‌های دیگری از جمله، «مکان‌گزینی و مکانیابی سکونتگاه‌های روستایی» (۱۳۸۵) و «امکان‌سنجی استقرار روستاهای جدید» (۱۳۸۶) ادامه یافت. در سال ۱۳۹۲، طرح «توسعه پایدار منظومه‌های روستایی - شهری» ارائه شد که نشان می‌دهد نظام برنامه‌ریزی در کشور به مرور زمان به اهمیت موضوع شکاف/پیوندهای شهری - روستایی حساس شده است.

در اینجا با نگاه به پیامدهای عینی برنامه‌های توسعه در ایران، به بررسی تفاوت‌ها و یا شباهت‌ها در شاخص‌های جمعیتی، رفاهی و درآمدی در مناطق شهری و روستایی در طول چهار دهه اخیر می‌پردازیم:

جمعیت کشور در سال ۱۳۰۰، حدود ۹۷۰۰۰۰۰ میلیون نفر تخمین زده شده است و تا سال ۱۳۳۵ تقریباً به ۱۹۰۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد. جمعیت شهری در این سال حدوداً ۳۱ درصد و جمعیت روستایی نزدیک به ۶۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند [جدول ۱]. تا سال ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰م، مهاجرت گسترده روستا - شهری در کشور وجود نداشت و حرکات جمعیتی بیشتر ماهیتی بین شهری و بین روستایی داشته است [۲۷].



جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، از ۲۵۷۸۸۰۰۰ نفر به ۳۳۷۰۰۰۰۰ نفر رسید. در این سال‌ها، جمعیت شهری از ۳۸ درصد به ۴۷ درصد افزایش پیدا کرد [جدول ۱]. طی این دوران سیاست اصلاحات ارضی از بالا به اجرا درآمد. همچنین با اقدامات صورت گرفته برای صنعتی شدن کشور بر پایه مناسبات سرمایه‌داری در شهرها، رشد ناموزون شهری به شکل تمرکز سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری در چند مکان شهری به اوج خود رسید. تهران و چند شهر دیگر، در راستای تأمین امکانات، تسهیلات و اشتغال برای موج جدیدی مهاجران روستایی، وراي ظرفیت خود توسعه یافتند.

جدول ۱: جمعیت شهری و روستایی در سال‌های مختلف

شرح	جمعیت کل کشور	جمعیت شهری	درصد	جمعیت روستایی	درصد
۱۳۰۰	۹۷۰۷۰۰	-	-	-	-
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۳۱/۴	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۷/۳
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۳۸	۱۵۹۹۴۴۷۶	۵۹/۳
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۱/۹
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵۴/۳	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵/۲
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۷	۲۳۶۳۶۵۹۱	۴۲/۳
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۱/۳	۲۳۰۲۶۲۹۳	۳۸/۳
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۶۸/۵	۲۲۱۳۱۱۰۱	۳۱/۴
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۱/۴	۲۱۴۴۶۷۸۳	۲۸/۵
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۵۹۴۶۶۸۴۷	۷۴	۲۰۷۳۰۶۲۵	۲۵/۹
۱۴۰۰	۸۴۰۵۵۰۰۰	۶۳۸۷۶۰۰۰	۷۵/۹	۲۰۱۷۹۰۰۰	۲۴

منبع: [۲۸، ۲۹، ۳۰]

در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، جمعیت کشور رشد بالایی داشته و تقریباً دو برابر شده است؛ جمعیت شهری نیز از جمعیت روستایی پیشی گرفته و از مرز ۶۰ درصد فراتر رفته است [جدول ۱]. در ادامه روند رو به رشد مهاجرت به‌ویژه بعد از اصلاحات ارضی، از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰، تعداد مهاجران به بالاترین حد خود رسیده است. طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در مقایسه با دوره‌های دیگر، مهاجرت روستا به شهر به بیشترین حد خود (یعنی ۳۲ درصد) از جریان‌های مهاجرت داخلی رسیده است [جدول ۵]. به تعبیر برخی محققان [۳۱] «شتاب مهاجرتی» بین دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، رو به افزایش بوده، اما مقدار این شاخص در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به‌شدت کاهش یافته است. در تأیید این بحث کاظمی‌پور [۳۲] به نقل از [۳۳] بیان می‌کند که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، سهم مهاجرت در افزایش جمعیت شهری تنها حدود ۱۵ درصد بوده است. سهم افزایش طبیعی جمعیت شهری، تبدیل روستا به شهر و ادغام روستاها به مجموعه شهری به ترتیب ۵۸، ۲۳ و ۳ درصد بوده است.

با انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، آرمان‌هایی چون عدالت اجتماعی و اقتصادی و ضدیت با سرمایه‌داری مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس دگرگونی‌های بنیادینی در رویکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مناسبات اقتصادی رخ داد. قانون حفاظت از صنایع، ملی شدن صنایع و بانک‌ها و بیمه‌ها، پاگرفتن شوراهای اسلامی، تشکیل جهاد سازندگی به‌عنوان مجری پروژه‌های عمرانی روستایی نمونه‌هایی از اقدامات صورت‌گرفته در راستای برابری اقتصادی و خودکفایی هستند.

داده‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی ازجمله بانک جهانی نشان می‌دهد که طی سه دهه منتهی به سال ۱۳۹۰، ایران به پیشرفت‌های خوبی در زمینه کاهش فقر دست یافت. بعد از یک بحران اقتصادی حاد پس از انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، یک کاهش فقر مستمر به‌دست آمد، به‌طوری که شاخص آن از حدود ۴۰ درصد در اوایل دهه ۱۳۶۰ به حدود ۲۰ درصد در اوایل دهه ۱۳۸۰ رسید. این جریان کاهش فقر با پیشرفت قابل توجه در توسعه انسانی و دسترسی به خدمات همراه بود. تأکید بسیار بر توسعه روستایی در سال‌های بعد از انقلاب سبب شده است که دسترسی به خدمات افزایش یابد. همچنین فرصت‌های آموزشی گسترده‌ای نیز برای گروه‌های کم‌برخوردار ازجمله ساکنان روستایی و زنان به‌وجود آید. با این حال این روند برابری‌گرایانه در توسعه به‌مرور زمان تضعیف شد. از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ سهم ایرانیان زیر خط فقر بین‌المللی، از ۲۰ درصد تا ۲۸/۱ درصد رسیده است (با شرایط برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۷ با ۶/۸۵ دلار آمریکا در روز). یعنی نزدیک به ۹/۵ میلیون نفر در فقر افتاده‌اند. جریان فقر در این ۱۰ سال در سه مرحله کاملاً متمایز قابل تحلیل است: دوره افزایش متوسط فقر (از سال ۱۳۹۰ تا ۲۰۱۳)؛ دوره کاهش فقر جزئی (از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶) و دوره افزایش فقر (از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) [۷].

بر اساس داده‌های بانک جهانی [۳۰]، سرانه تولید ناخالص داخلی بعد از انقلاب، از ۲۴۲۹ دلار آمریکا در سال ۱۳۵۸ به ۱۹۰۳ دلار در سال ۱۳۸۰ (بر مبنای دلار کنونی آمریکا) کاهش پیدا کرده است. طی این دوران، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۷/۵ به ۸/۳ درصد، و سهم اشتغال در بخش کشاورزی نیز از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در عین حال، سهم صنعت در شاخص تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ با نوساناتی همراه بوده، اما در مجموع از ۴۵/۷ درصد تا حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است. سهم اشتغال در بخش صنعت از ۳۴/۲ در سال ۱۳۵۵ به ۳۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. سهم بخش خدمات در شاخص تولید ناخالص داخلی نیز از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ از ۴۸/۳ به ۵۲/۳ رشد داشته است. سهم اشتغال در بخش خدمات در سال ۱۳۵۵، ۳۱/۸ درصد است که نسبت به صنعت و کشاورزی کم‌ترین میزان را دارد. اما بخش خدمات در سال ۱۳۷۵، بیشترین سهم را دارد و به ۴۴/۵ رسیده است [جدول ۲: ۲۸].

جدول ۲: سهم بخش‌های عمده اقتصادی از تولید ناخالص داخلی در بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱

سال شرح	ش ۱۳۵۸ م ۱۹۷۹	ش ۱۳۶۰ م ۱۹۸۱	ش ۱۳۶۹ م ۱۹۹۰	ش ۱۳۸۰ م ۲۰۰۱	ش ۱۳۹۰ م ۲۰۱۱	ش ۱۳۹۵ م ۲۰۱۶	ش ۱۴۰۰ م ۲۰۲۱	ش ۱۴۰۱ م ۲۰۲۲
تولید ناخالص داخلی (میلیون دلار فعلی آمریکا)	۹۰/۳۹	۱۰۰/۵	۱۳۴/۸۱	۱۲۶/۸۸	۶۲۶/۱۳	۴۵۷/۹۵	۳۵۹/۱	۴۱۳/۴۹
سرنانه تولید ناخالص داخلی (دلار فعلی آمریکا)	۲۴۲۹/۶	۲۴۸۲/۹	۲۲۳۷/۱	۱۹۰۲/۹	۸۲۰۱/۶	۵۴۹۷/۲	۴۰۸۴/۲	۴۳۸۷/۸
سهم کشاورزی (درصد)	۸/۶	۱۳/۷	۱۲/۵	۸/۳	۴/۶	۹/۸	۱۲/۴	۱۲/۵
سهم صنعت (درصد)	۴۵/۸	۳۴/۷	۳۲/۸	۳۹/۹	۴۶/۲	۳۴/۴	۳۸	۴۰/۲
سهم خدمات (درصد)	۴۸/۶	۵۲/۶	۵۲/۳	۵۲/۳	۴۸/۷	۵۲/۵	۴۷/۳	۴۶/۹

منبع: [۳۰]

از ابتدای دهه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰، تغییرات مهمی در فرایند یکپارچگی شهر و روستا اتفاق افتاده است. در این زمینه جمعیت کشور، در بستر روند جهانی، به‌طور فزاینده‌ای به سمت شهرگرایی رفته است. براساس آمار موجود جمعیت روستایی از ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است و برآورد می‌شود این رقم در سال ۱۴۳۰ شمسی به حدود ۱۵ درصد برسد [۳۴].

جدول ۳: توزیع نسبی مهاجران داخلی بر حسب جریان‌های مهاجرت در سرشماری‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۹۵

مبدأ و مقصد	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۵
شهر به شهر	۴۰	۴۸	۵۴	۶۵	۶۸
روستا به شهر	۳۳	۲۲	۲۰	۱۳	۱۴/۵
روستا به روستا	۱۴	۱۲	۹	۷	۵
شهر به روستا	۱۴	۱۸	۱۷	۱۵	۱۲

منبع: [۳۵؛ ۳۶]

در چند دهه اخیر، نرخ مهاجرت روستا به شهر روند کاهشی را نشان می‌دهد؛ از ۳۲ درصد (تقریباً یک‌سوم مهاجرت‌های داخلی) در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به ۱۳ درصد (حدود یک‌هشتم) در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ می‌رسد، اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تا حدودی افزایش پیدا کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با گذر زمان، سهم مهاجرت روستا - شهری در روند شهرنشینی و کاهش نسبت جمعیت روستایی در مقایسه با عوامل تغییر تقسیمات کشوری (تبدیل روستا به شهر و الحاق روستا به شهر) کمتر و کم‌تر شده است [جدول ۳].

برای تحلیل تحولات جمعیت روستایی، جا دارد به روند تغییرات معیارهای تبدیل نقاط روستایی به شهر در ایران توجه کرد. در سال ۱۳۳۵ حدود ۲۰۰ نقطه شهری در ایران وجود داشته که بیشتر شهرهای کهن ایران را شامل می‌شده است. همراه با افزایش رشد جمعیت و با معیار ۵۰۰ نفری شهر در سال ۱۳۵۵ تعداد آن‌ها به ۳۷۳ شهر و در سال ۱۳۶۵ به ۴۹۶ شهر می‌رسد، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در روستاهای پیراشهری و نیز رشد بالای روستاهای مرکزی تا سال ۱۳۷۵ شهرها را به ۶۱۲ می‌رساند که خصلت جهشی دارد. کاهش تدریجی رشد جمعیت و شهرنشینی روند افزایش تعداد شهرها را تا سال ۱۳۹۰ کاهش می‌دهد و به ۱۱۳۹ می‌رساند. اما تسهیل تبدیل روستاهای مرکزی مرکز دهستان به شهر به دلیل مزیتی که شهر شدن برای آن‌ها فراهم می‌آورد، بار دیگر شتاب آن را بالا می‌برد به‌طوری که در سال ۱۴۰۰ تعداد شهرها به ۱۴۱۹ عدد می‌رسد [۳۷؛ جدول ۴].

جدول ۴: تعداد نقاط شهری و آبادی‌های ایران: ۱۳۳۵-۱۴۰۰

سال	نقاط شهری	تعداد آبادی	
		دارای سکنه	خالی از سکنه
۱۳۳۵	۱۹۹	۴۹۰۴۰	-
۱۳۴۵	۲۱۲	۸۲۳۶۳	۱۵۹۲۵
۱۳۵۵	۳۷۳	۹۲۰۰۷	۲۶۹۵۲
۱۳۶۵	۴۹۶	۱۰۳۹۲۰	۳۸۵۷۱
۱۳۷۵	۶۱۲	۱۲۵۸۲۷	۵۷۷۰۵
۱۳۸۵	۱۰۱۶	۹۱۳۱۰	۲۷۴۰۶
۱۳۹۰	۱۱۳۹	۹۶۵۴۹	۳۴۷۹۹
۱۳۹۵	۱۲۴۲	۶۲۲۸۴	۳۵۲۵۴
۱۴۰۰	۱۴۱۹	-	-

منبع: [۳۶؛ ۳۸]

پیش از سال ۱۳۰۰، کشور دارای نظام شهری و شهرنشینی ثابتی بود و تقریباً تا سال ۱۳۳۵ این روند ادامه داشت. از اواخر دهه ۱۳۳۰ و خاصه بعد از اصلاحات ارضی در نواحی روستایی، شهرها با هجوم مهاجران روستایی مواجه

شدند، به گونه‌ای که ورای ظرفیت خود گسترش یافتند. با افزایش جمعیت شهرنشین و رشد ناموزون شهری، مشکلات گوناگونی پدیدار شد که از بارزترین آن‌ها حاشیه‌نشینی و رشد نامتناسب شهرهای بزرگ بود. این روند همچنان بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ادامه یافت. از دهه ۱۳۶۰ دولت به منظور جذب سرریز جمعیت، کاهش بار اقتصادی بر کلان‌شهرها و جلوگیری از رشد بی‌قواره آن‌ها، اقدام به ساخت شهرهای جدید کرد [۳۹]. این برنامه در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، با سیاست ساخت مسکن مهر، به اوج خود رسید؛ و همچنان در دولت سیزدهم، تحت عنوان نهضت ملی مسکن از سر گرفته شد. نتیجه این طرح ایجاد شهرهای کوچکی در حاشیه شهرهای بزرگ بوده است که جاذب جمعیت شهری و بعضاً روستایی بوده‌اند. این نوع سیاست‌ها، شهرنشینی روزافزون و بی‌رویه را در کشور دامن زد که به‌طور کلی باعث مهاجرت گسترده به سوی شهرها و ناپایداری اقتصاد و اجتماع روستایی شد [۴۰]. شهرهای جدید پردیس، اندیشه، پرند و هسگرد در اطراف بزرگ‌ترین کلان‌شهر یعنی تهران نتیجه این سیاست است [۳۹].

بر مبنای داده‌های بانک جهانی، سرانه تولید ناخالص داخلی طی این دوران، در ابتدای دهه ۱۳۹۰ به بالاترین حد خود (۸۳۳۹ دلار) طی صد سال اخیر رسیده و از آن به بعد تا سال ۱۳۹۹ شیب نزولی داشته و در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تا حدودی افزایش پیدا کرده است [۲۲]. سهم کشاورزی نیز در تولید ناخالص داخلی در اوایل دهه ۱۳۹۰ کاهش داشته و به ۴/۶ درصد رسیده است. اما در سال‌های بعدی کمی بهبود یافته، تا جایی که در سال ۱۴۰۱ تا ۱۲/۵ درصد افزایش پیدا کرده است. سهم اشتغال در بخش کشاورزی نیز از ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۶/۳ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده و سهم صنعت در شاخص تولید ناخالص داخلی در نوسان بوده است؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۸۴ به بالاترین حد خود در بعد از انقلاب اسلامی یعنی ۴۹/۶ درصد رسیده [۴۱] و در سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۴۰ درصد شده است. سهم اشتغال در بخش صنعت از ۳۱/۷۱ در سال ۱۳۸۵ به ۳۳/۸ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. سهم بخش خدمات در شاخص تولید ناخالص داخلی نیز از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ از ۴۸/۷ به ۴۷/۳ درصد کاهش داشته است. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بخش خدمات کماکان بیشترین سهم اشتغال را دارد که در سال ۱۴۰۰ معادل ۴۹/۸ درصد بوده است [جدول ۲؛ ۳۰].

۵. تجزیه و تحلیل

بررسی اشکال نابرابری فضایی

به‌طور کلی، حسب آمارها و روندهای جاری در دهه‌های اخیر، می‌توان چنین گفت که نظام برنامه‌ریزی توسعه ملی در کشور، نتوانسته است بر اشکال نابرابری فضایی غلبه کند. حتی در مواردی این موضوع را افزایش داده است. در ادامه مهم‌ترین مصداق‌ها و اشکال نابرابری فضایی را از منظر رابطه شهر و روستا بیان می‌کنیم.

الف) بخشی‌نگری و تمرکزگرایی: از ابتدای شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران، غلبه بخشی‌نگری بر نگاه به مناطق و قابلیت‌ها و مسائل آن‌ها وجود داشته است. مرکزگرایی، شهرنشینی سریع و بی‌رویه، گسترش اقتصاد واسطه‌ای و دلالی و ضد تولیدی و تحمیل سبک زندگی شهری بر روستا از مهم‌ترین پیامدهای منفی نظام برنامه‌ریزی‌های بخشی در کشور بوده است. به تعبیر دقیق‌تر، مهاجرت‌های گسترده از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک و میانی به کلان‌شهرها، رقابت‌های منطقه‌ای بر سر طرح‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های محیطی، مکان‌یابی‌های نادرست و غیرمنطقی پروژه‌های صنعتی بزرگ و استقرار آن‌ها در کم‌ظرفیت‌ترین مناطق از نظر محیطی، کم‌توجهی به ظرفیت‌های اقتصاد دریاپایه در کشور، از مهم‌ترین پیامدهای برنامه‌ریزی بخشی و نامتوازن بوده است.

ب) ناتعادلی در امکانات و خدمات زیرساختی: در طول ۵۰ سال گذشته، با وجود سیاست‌های بخشی در برنامه‌ریزی‌های ملی، فاصله شاخص‌های رفاهی و توسعه‌ای در مناطق شهری و روستایی کاهش پیدا کرده است، اما همچنان شهرها از وضعیت بهتری برخوردارند. بر مبنای اطلاعات بانک جهانی، در سال ۱۳۷۹ش/ ۲۰۰۰ م، همه مناطق شهری از برق برخوردار بوده‌اند و حدود ۹۴ درصد مناطق روستایی برق داشته‌اند، در حالی که در سال ۱۴۰۱ش/ ۲۰۲۲ م، تقریباً تمام مناطق شهری و روستایی به برق دسترسی دارند. طی سال‌های مذکور، بیشتر مناطق شهری به آب سالم دسترسی داشته‌اند (حدود ۹۸ درصد)؛ دسترسی به آب برای مناطق روستایی نیز با اینکه بیش‌تر از ۱۵ واحد درصد رشد کرده و به حدود ۹۴ درصد رسیده است، اما کماکان شهرها وضعیت بهتری دارند. با وجود پیشرفت قابل توجه، هنوز دسترسی به سیستم فاضلاب در روستاها چندان نیست؛ در سال ۱۴۰۱ش/ ۲۰۲۲ م، حدود ۸۲ درصد ساکنان روستایی در مقایسه با ۹۳ درصد ساکنان شهری از سیستم فاضلاب برخوردارند [جدول ۵].

جدول ۵: شاخص‌های رفاهی در مناطق شهری و روستایی

۱۴۰۱ش ۲۰۲۲م	۱۳۹۹ش ۲۰۲۰م	۱۳۹۴ش ۲۰۱۵م	۱۳۸۹ش ۲۰۱۰م	۱۳۸۴ش ۲۰۰۵م	۱۳۷۹ش ۲۰۰۰م	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۴	۹۸/۴	۹۷/۹	دسترسی به برق (درصد کل جمعیت)
۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۹۶	۹۹/۹	۹۹/۷	۱۰۰	جمعیت شهری
۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۸	۹۸/۳	۹۵/۷	۹۴/۲	جمعیت روستایی
۹۷/۷	۹۷/۴	۹۶/۸	۹۶	۹۵/۲	۹۴/۲	دسترسی به آب (درصد کل جمعیت)
۹۸/۷	۹۸/۶	۹۸/۵	۹۸/۳	۹۸/۲	۹۸	جمعیت شهری
۹۴/۴	۹۲/۱	۹۲/۱	۹۰	۸۹	۷۸/۲	جمعیت روستایی
۹۰/۴	۹۰/۳	۸۸/۲	۸۵/۷	۸۱/۹	۷۸/۲	دسترسی سیستم‌های فاضلاب (درصد کل جمعیت)
۹۲/۸	۹۲/۸	۹۲/۱	۹۱	۸۹	۸۷/۷	جمعیت شهری
۸۲/۳	۸۲/۳	۷۷/۳	۷۲	۶۷	۶۲/۳	جمعیت روستایی

منبع: [۴۲]

با وجود تحولات مثبت در جدول ۵، باز عقیده رایج در میان محققان این است که کشور با نوعی نابرابری فضایی مواجه بوده، به‌گونه‌ای که تمرکز توسعه‌یافتگی در مرکز کشور و توسعه‌نیافتگی در جنوب شرقی و غرب کشور است. به بیان دیگر، اختلاف فضایی و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات از ویژگی‌های فضایی بارز کشور است. استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، البرز و یزد، به‌ترتیب بالاترین نمره را در شاخص توسعه دارند و به‌عنوان استان‌های توسعه‌یافته و برخوردار محسوب می‌شوند. در مقابل، استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، ایلام، لرستان و خراسان شمالی، پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی را دارند و به‌عنوان استان‌های کم‌برخوردار و کم‌تر توسعه‌یافته کشور محسوب می‌شوند. از این‌رو مناطق مرزی شرق و غرب ایران دارای توسعه اقتصادی - اجتماعی پایین‌تری نسبت به بقیه مناطق کشور هستند. البته مناطق مرزی غرب از سطح توسعه نسبتاً بیشتری نسبت به مناطق مرزی شرقی برخوردارند. مناطق شمالی و مرکزی (به‌ویژه استان‌های تهران، اصفهان و سمنان) دارای سطح بالاتری از توسعه اقتصادی - اجتماعی هستند [۱۰]. همچنین سکونتگاه‌های روستایی با وجود منابع زیست‌محیطی بیشتر، به لحاظ اجتماعی و اقتصادی و زیرساختی، میزان کم‌برخوردارتری نسبت به سکونتگاه‌های شهری داشته‌اند [۱۱].

ج) کاهش نسبی فقر: بنابر آمار موجود و تحقیقات صورت‌گرفته، میزان فقر چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، همواره در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. در قبل از انقلاب اسلامی، فقر و فاصله درآمدی بخش‌های شهری و روستایی بالا بود، اما مهاجرت‌های روستایی به سوی شهرها، ابزار اصلی کاهش‌دهنده فاصله درآمدی روستا و شهر شدند.

در بعد از انقلاب شاخص فقر روند ثابتی نداشته است. در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، به دلیل غلبه سیستم توزیع کالاهای یارانه‌ای از شدت فقر در نواحی شهری و به‌طور خاص روستایی کاسته شده، اما از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ شکاف درآمدی شهر و روستا افزایش یافته است. با وجود افزایش حداقل سطح رفاه عمومی مناطق روستایی در دهه ۱۳۷۰، اما امنیت غذایی در این مناطق شرایط نامساعدتری داشته است [۴۳؛ ۴۴؛ ۴۵؛ جدول ۹].

از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲، به دلیل شرایط بد اقتصادی بر اثر تحریم‌های اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی و سوء مدیریت‌ها، بر میزان فقر نسبی جامعه ایران افزوده شده است. حتی توزیع این فقر بر حسب مناطق زندگی (روستایی و شهری) و گروه‌های درآمدی نیز نابرابر است. به عبارت بهتر فقرا کماکان بیشتر در مناطق روستایی بوده‌اند. در حالی که تنها یک‌چهارم جمعیت کل کشور در مناطق روستایی هستند، ۴۰ درصد فقرا در آنجا زندگی می‌کنند. تقریباً نیمی از جمعیت روستایی فقیر هستند. فقر در مناطق جنوب شرقی و شمال غرب نیز بیشتر بوده است. در سال ۱۳۹۹، ۳۲ درصد از خانوارهای فقیر کشور در این مناطق زندگی می‌کردند، درحالی‌که فقط ۲۰ درصد از کل جمعیت را در خود جای داده‌اند. در مقایسه، تنها ۲۴ درصد از فقرا در کلانشهر تهران و مناطق مرکزی هستند، در حالی که ۴۰ درصد جمعیت کشور در این نواحی زندگی می‌کنند. طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، نرخ فقر

از ۴۲ درصد به ۵۲ درصد در مناطق جنوب شرقی و از ۱۶ درصد به ۳۶ درصد در مناطق شمال غرب افزایش یافته است [۷].

ضریب جینی کل کشور (به عنوان یکی از شاخص های نابرابری) در سال ۱۳۵۵ به اوج خود رسیده [۴۳] و در سال های بعد از انقلاب، همراه با نوساناتی از ۰/۴۲۲۹ در سال ۱۳۶۵ به ۰/۳۸۷۷ در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. داده ها نشان می دهد در بعد از انقلاب، بیشترین ارقام ضریب جینی در سال های میانی دهه ۱۳۸۰ ثبت شده است؛ از این رو، در نیمه دهه ۱۳۸۰ فاصله درآمد روستا - شهری افزایش یافت و سپس در دهه نود تا حدودی کم تر شد. به طور کلی با وجود کاهش فاصله درآمدی و نابرابری روستا - شهری در این دوران، باز می توان گفت که فقر روستایی نسبت به شهری بیشتر است.

در سال ۱۴۰۱، بالاترین ضریب جینی به استان سیستان و بلوچستان (۰/۴۶۴۷) اختصاص دارد. این استان در تمامی سال های مورد بررسی بالاترین نابرابری در بین مناطق شهری را داشته است. پس از سیستان و بلوچستان، استان گلستان بیشترین ضریب جینی را داشته است. کم ترین ضریب جینی مربوط به استان های کرمان (۰/۲۷۰۰) و ایلام (۰/۲۷۱۷) است. در همین سال، در مناطق روستایی، بالاترین ضریب جینی در استان همدان (۰/۳۹۱۳) و فارس (۰/۳۶۲۴) و کم ترین ضریب جینی مربوط به استان های ایلام (۰/۲۳۵۴) و کرمان (۰/۲۴۴۸) است [۴۶].

جدول ۶: ضریب جینی (Gini Coefficient) کل کشور

سال	ضریب جینی		
	کل کشور	شهری	روستایی
۱۳۶۵	۰/۴۲۲۹	۰/۴۲۳۱	۰/۳۸۸۶
۱۳۷۰	۰/۴۳۸۳	۰/۴۲۳۰	۰/۴۱۱۲
۱۳۷۵	۰/۴۳۹۴	۰/۴۱۱۴	۰/۳۸۳۷
۱۳۸۰	۰/۴۳۰۴	۰/۴۱۹۹	۰/۳۸۶۴
۱۳۸۵	۰/۴۳۵۶	۰/۴۱۷۷	۰/۳۹۷۷
۱۳۹۰	۰/۳۷۰۰	۰/۳۵۶۸	۰/۳۳۹۴
۱۳۹۵	۰/۳۹۰۰	۰/۳۷۳۰	۰/۳۳۶۲
۱۴۰۰	۰/۳۹۳۸	۰/۳۷۵۷	۰/۳۵۹۴
۱۴۰۱	۰/۳۸۷۷	۰/۳۶۹۶	۰/۳۶۴۳

منبع: [۳۸: ۴۶]

د) کاهش نسبی فاصله درآمدی مناطق شهری و روستایی: موضوع درآمد و هزینه های خانوار تفاوت هایی در مناطق شهری و روستایی را نیز نشان می دهد.



جدول ۷: متوسط درآمد و هزینه خالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی (هزار ریال)

سال	درآمد خانوار شهری	هزینه خانوار شهری	نسبت درآمد بر هزینه شهری	درآمد خانوار روستایی	هزینه خانوار روستایی	نسبت درآمد بر هزینه روستایی
۱۳۵۶	۴۴۹	۴۳۸	۱/۰۲	۱۶۶	۲۰۷	۰/۸۰
۱۳۶۵	۱۱۲۷	۱۳۱۴/۵	۰/۸۵	۵۶۸/۵	۷۶۱/۶	۰/۸۲
۱۳۷۰	۲۸۴۰	۳۰۵۹	۰/۹۲	۱۵۶۳	۱۹۳۱	۰/۸۰
۱۳۷۵	۹۸۱۹/۳	۱۱۰۶۱	۰/۸۹	۵۸۶۵	۶۹۸۷	۰/۸۳
۱۳۸۰	۲۵۸۳۱/۵	۲۸۰۲۰	۰/۹۲	۱۵۲۰۰	۱۷۳۳۳	۰/۸۸
۱۳۸۵	۶۵۵۰۹	۶۷۳۸۶	۰/۹۷	۳۹۱۳۹	۴۱۵۷۰	۰/۹۴
۱۳۹۰	۱۳۰۳۰۱	۱۳۳۷۱۶	۰/۹۸	۷۹۷۲۷	۸۳۹۷۳	۰/۹۴
۱۳۹۵	۳۱۷۲۱۰	۲۸۴۸۲۰	۱/۱۱	۱۷۶۸۶۶	۱۵۶۹۰۷	۱/۱۲
۱۴۰۰	۱۱۲۴۲۱۷	۹۲۵۰۱۷	۱/۲۱	۶۳۷۱۳۳	۵۱۹۱۱۹	۱/۲۲
۱۴۰۱	۱۶۶۹۶۴۱	۱۳۷۱۴۶۰	۱/۲۱	۹۸۶۳۸۳	۷۸۸۵۹۴	۱/۲۵

منبع: [۲۸]: محاسبه محققان]

در سال ۱۳۹۵ فاصله درآمدی شهر و روستا تا حدودی کمتر شده، به طوری که درآمد و هزینه سالانه خانوار شهری حدود ۱/۷۹ و ۱/۸۱ برابر درآمد و هزینه سالانه خانوار روستایی است. در حالی که این مقادیر در سال ۱۳۹۰، ۱/۶۳ و ۱/۵۸ بوده است. به بیان دیگر، نسبت درآمد به هزینه در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ برای شهر ۰/۹۸ و ۱/۱۱، و در مقایسه با آن برای روستا ۰/۹۴ و ۱/۱۲ بوده است [جدول ۷].

اگرچه طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱، شکاف درآمدی شهر و روستا با نوساناتی همراه بوده و همچنان درآمد سالانه خانوار شهری از روستایی بیشتر است، اما روی هم رفته، فاصله درآمد میان آن‌ها روند نزولی داشته و از ۱/۸ برابر به ۱/۶۹ رسیده است. از طرفی فاصله متوسط هزینه سالانه آن‌ها افزایش یافته و از ۱/۵۸ برابر به ۱/۷۳ رسیده است. به عبارتی نسبت درآمد به هزینه در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۴۰۱، برای شهر به ترتیب ۰/۹۲ و ۱/۲۱ و برای روستا ۰/۸۰ و ۱/۲۵ بوده است.

گروه مهندسی خرد [۴۷]، برای نسبت درآمدها به هزینه دولت‌های پس از انقلاب چنین می‌گوید: در دهه اول انقلاب در مناطق شهری کاهش زیادی داشت، اما در مناطق روستایی بهبود یافت. در دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) در مناطق شهری با بهبود بیشتری در مقایسه با مناطق روستایی همراه بود؛ در دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در مناطق شهری اندکی بهبود یافت، اما در مناطق روستایی با کاهش مواجه شد؛ در دولت مهرورزی (۱۳۸۴-۱۳۹۲) در خانوارهای شهری و روستایی به شدت کاهش پیدا کرد؛ در مجموع، ارقام نشان می‌دهند که در خانوارهای شهری

شاخص درآمدها به هزینه در پایان دولت اصلاحات به بالاترین حد خود رسیده است. در خصوص خانوارهای روستایی هم این شاخص در پایان دولت انقلاب و جنگ به بالاترین حد خود و در دولت مهرورزی به پایین ترین حد خود رسیده است.

این شاخص تا حدودی بیانگر رویکرد اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و عملکرد کلان اقتصادی آن‌ها در حوزه معیشت و اقتصاد خانواده‌هاست. آمارها نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر به دلیل تورم اقتصادی فزاینده، وضعیت خانوارهای روستایی و شهری در حوزه‌های مذکور تنزل یافته است. برای نمونه در سال ۱۳۷۰ سهم هزینه گوشت برای خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۲۵/۶۸ و ۲۲/۲۹ درصد از هزینه‌های خوراکی و دখانی را شامل می‌شده است. در مقایسه، در سال ۱۴۰۰ این ارقام هم برای شهر و هم برای روستا کاهش پیدا کرده و تقریباً برابر و حدود ۲۱ درصد شده است. همچنین در سال ۱۳۷۰، هزینه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی برای شهر و روستا به ترتیب ۳/۳ و ۳ درصد از هزینه ناخالص را شامل می‌شده، در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۰ برای شهر و روستا عدد برابر ۲/۱ است [۲۸].

ه) تغییر در شاخص شکاف دیجیتال^۸: با گسترش وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها، جریان مبادله اطلاعات میان شهر و روستا افزایش یافته است. از دهه ۱۳۸۰ با گسترش کامپیوتر و موبایل، دسترسی به اینترنت به عنوان مبادله کننده اصلی اطلاعات بیشتر شده است. با وجود افزایش سریع ضریب نفوذ اینترنت در دهه ۱۳۹۰ و کاهش فاصله اطلاعاتی شهر و روستا یا همان کاهش شکاف دیجیتال (یعنی فاصله بین افراد، خانوارها، صاحبان مشاغل و مناطق جغرافیایی در جایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی متفاوت، با توجه به فرصت‌های دسترسی آن‌ها به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و استفاده از اینترنت برای گستره وسیعی از فعالیت‌ها [۴۸])، شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات یا فاوا^۹ در ایران، همواره در روستاها پایین تر از شهرهاست [۱۶]. جدول ۸ میزان برخورداری نقاط شهری و روستایی از این شاخص را نشان می‌دهد.

جدول ۸: درصد خانوارهای کشور برحسب برخورداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در محل سکونت به تفکیک نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰

شرح	۱۳۸۷	۱۳۸۹	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۴۰۰
خانوارهای دارای تلفن	۹۴/۱	۹۶/۱	۹۷/۶	۹۸/۷	۹۸/۸	۹۹/۰
شهری	۵۹/۹	۹۷/۸	۹۸/۹	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۲
روستایی	۸۹/۸	۹۱/۵	۹۳/۹	۹۷/۰	۹۷/۱	۹۸/۲
خانوارهای دارای یارانه	۳۰/۲	۳۵/۲	۴۵/۹	۵۷/۴	۶۹/۷	-
کل کشور						

8. digital divide

9. Information and Communication Technology (ICT)

شرح	۱۳۸۷	۱۳۸۹	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۴۰۰
شهری	۳۸/۶	۴۳/۵	۵۴/۰	۶۴/۸	۷۸/۰	-
روستایی	۱۰/۶	۱۲/۰	۲۳/۳	۳۶/۱	۴۴/۴	-
کل کشور	۱۸/۲	۲۱/۴	۳۷/۸	۵۵/۵	۷۲/۸	۷۹/۵
شهری	۲۳/۴	۳۷/۳	۴۵/۱	۶۲/۱	۷۷/۹	۸۲/۵
روستایی	۶/۰	۴/۹	۱۷/۵	۳۶/۷	۵۷/۰	۶۹/۲

منبع: [۲۸]

با وجود اینکه دسترسی به تلفن همراه و اینترنت در کشور پیشرفت‌های چشمگیری داشته است، اما همچنان در زمینه دسترسی به فناوری اطلاعات تفاوت قابل توجهی وجود دارد. دسترسی به تلفن همراه تقریباً همگانی شده است، به طوری که در سال ۱۳۹۹، ۹۶ درصد خانوارها حداقل یک تلفن همراه دارند. این افزایش دسترسی همگانی تا حد زیادی نتیجه در دسترس بودن برای فقر است که شکاف مالکیت تلفن از ۸ واحد درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲ واحد درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است [۷].

افزایش دسترسی به اینترنت نیز، از ۱۳ درصد خانوارها در سال ۱۳۹۰ به ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است. با وجود این، شکاف دسترسی به اینترنت میان جمعیت فقیر و غیرفقیر قابل توجه است؛ تنها ۶۰ درصد از فقرا به اینترنت دسترسی دارند، این تا حد زیادی نتیجه نابرابری میان مناطق روستایی و شهری است. نیمی از ساکنان روستایی هنوز اینترنت ندارند، این امر شکاف روستا - شهری در دسترسی به فرصت‌های یادگیری و اقتصادی را تقویت می‌کند [۷].

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله بر این نکته تأکید شد که لازمه توسعه پایدار، کاهش نابرابری‌های میان مناطق در دسترسی به خدمات، امکانات، سرمایه و برخورداری از جمعیت است. در ایران با اینکه طی چهار دهه اخیر، نظام برنامه‌ریزی به مرور نسبت به موضوع شکاف شهری - روستایی و نابرابری فضایی میان مناطق مختلف کشور حساس شده است، اما نوعی رویکرد بخشی، غیرآمایشی و کم‌توجه به ظرفیت‌ها، با تأکید بر دو محور تمرکزگرایی و شهرگرایی، بر نابرابری و فاصله میان مناطق پیرامونی و مناطق مرکزی کشور از یک سو و مناطق شهری و روستایی از سوی دیگر افزوده است. طی این دوران، نوعی شهرنشینی روزافزون، بی‌رویه و گاهی ناموزون به ضرر پایداری و تعادل جمعیت در مناطق شهری کوچک و مناطق روستایی اتفاق افتاده که لزوماً با توسعه متوازن منطقه‌ای همراه نبوده است. شهرهای بزرگ جاذب جمعیت کار، در حاشیه خود بوده‌اند که این مسئله نوعی زندگی توأم با فقر را در بخش‌های حاشیه‌ای و روستایی ایجاد کرده است. نسبت جمعیت روستایی کشور روبه‌روز در حال کاهش بوده و نکته قابل تأمل این است که در گسترش شهرنشینی، تبدیل روستاها به شهر سهم بیشتری نسبت به مهاجرت از روستا به شهر دارد.

همچنین، با وجود پیشرفت امکانات رفاهی و خدمات و کاهش معنادار فقر مطلق در جامعه، همچنان بار فقر بر دوش روستاییان، آن‌هم بیشتر در مناطق کم‌برخوردار (خاصه جنوب شرقی و شمال غربی) کشور سنگینی می‌کند. ارزیابی شاخص‌های مربوط به درآمد و هزینه نیز نشان می‌دهد که بین شهر و روستا کماکان شکاف‌هایی وجود دارد که حتی با ارائه کمک‌های حمایتی دولتی در قالب یارانه یا کمک‌های معیشتی، قابل رفع نیستند. در عرصه اطلاعات و ارتباطات نیز شکاف دسترسی به اینترنت میان جمعیت فقیر و غیرفقیر قابل توجه است؛ این مسئله تا حد زیادی نتیجه نابرابری میان مناطق روستایی و شهری است. درواقع، شهرها از امکانات و خدمات بهتری برخوردارند. حتی در میان شهرها، از حیث تطبیقی نیز شهرهای مناطق شمالی و مرکزی کشور وضعیت مطلوب‌تری دارند. به‌طور کلی داده‌های کلان و ارزیابی عملکرد نظام برنامه‌ریزی فضایی مؤید این ادعاست که ایران با ناتعادل فضایی مواجه است، اما هر جا که پیوندهای شهری - روستایی برقرار و تقویت شده، نابرابری‌های منطقه‌ای و شهری - روستایی کاهش یافته است.

در اینجا ذکر چند پیشنهاد و تدبیر برای بهبود وضعیت و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، لازم به نظر می‌رسد:

(۱) ایران در شرایط اقلیمی خاص، در برابر افزایش خشک‌سالی و کمبود آب آسیب‌پذیر است. این امر بیشتر بر ساکنان مناطق روستایی متکی بر کشاورزی تأثیر می‌گذارد و به افزایش و تشدید فقر در آن مناطق کمک می‌کند. یکی از راه‌های از بین بردن شکاف روستا - شهری، کمک به کشاورزان برای افزایش تاب‌آوری و توانمندسازی برای رونق کسب‌وکار روستایی است.

(۲) باید فرصت‌ها برای اشتغال‌زدایی در کنار حوزه‌های کشاورزی فراهم باشد. فرصت‌های اقتصادی غیر زراعی می‌تواند راهی برای حفظ روستاها و مراکز تولیدی در اتصال با شهرها باشند.

(۳) در شرایط حاضر لازم است به نابرابری در خدمات زیرساختی و دسترسی به امکانات اولیه میان شهر و روستا مانند زیرساخت‌های فاضلاب و دسترسی به اینترنت، بیشتر توجه شود.

(۴) نوسانات اقتصادی بیشتر بر فقرا تأثیر می‌گذارد، برنامه‌های فقرزدایی و حمایت‌های اجتماعی نشان داده است که می‌تواند از فقرا به‌ویژه فقرای مناطق کم‌برخوردار، در برابر این فراز و نشیب‌های اقتصادی حمایت کند. بنابراین توجه بیشتر به این‌گونه برنامه‌های حمایتی می‌تواند در کاهش فاصله شهر و روستا مؤثر باشد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان لازم می‌دانند تا از حمایت‌های مادی و معنوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و دانشگاه تهران کمال تشکر و قدردانی را داشته باشد.

تأییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشد.

سهم نویسندگان: نویسنده اول ۵۰ درصد و نویسنده دوم ۵۰ درصد.

منابع مالی و حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشد.



References

1. Saidi, A, The rural-urban system is a framework for integrated residential development. in: *Rural Development in Iran*, Academic Center for Education, Culture and Research of Kharazmi branch, 2021. [In Persian]
 2. Rezvani, M R, *Series of think tanks of the Iranian Islamic Model of Progress Center: Rural-urban linkages in the country's rural development model*, Tehran: Model of Progress Publication, 2022. [In Persian]
 3. UN, *Spatial Planning Key Instrument for Development and Effective Governance with Special Reference to Countries in Transition*, Printed at United Nations, Geneva, Switzerland, 2008.
 4. OECD, *THE OECD SPINE (Spatial Planning Instruments and the Environment) PROJECT*, 2019.
 5. UN-Habitat, *Strengthening urban-rural linkages to reduce spatial inequality and poverty by leveraging sustainable food systems actions*, First UN-Habitat assembly | side event report, 2019.
 6. UN-Habitat, *Urban-rural land linkage: A concept and framework for action*, 2021.
 7. World Bank, *Poverty and shared prosperity, Poverty Global Practice Middle East & North Africa*, Iranian poverty diagnostic, Report no: 185679, 2023a.
 8. Mirei, M, Hosseini, A, & Bibi-Nazari, B, Hosseini, M, An analysis of spatial inequalities in regional development in Iran (Study area: coastal counties in the north of the country), *Geographical Engineering of the Land*, 2019; 3, Issue 6: 79-92. [In Persian]
 9. Rostamalizadeh, V, Noubakht, R, Measuring the dimensions of spatial inequality in Iran Counties; looking at policy requirements, *Journal of Community Development (Rural and Urban Communities)*, 2023; 14, Issue 2: 489-509. [In Persian]
 10. Sadeghi, R, Unemployment, Unequal Regional Development and Spatial Pattern of Internal Migration in Iran, *Research in Deviance and Social Problems Quarterly*, 2022; Issue 3, 2: 41-65. [In Persian]
 11. Riahi, V, Nasiri Zare, S, Spatial Zonation of deprivation coefficient (urban-rural) in the provinces of the country, *Journal of Geographical Engineering of Territory*, 2012; 2; 247-259,. [In Persian]
 12. Saidi, A, Rural-Urban Integrity in the Form of Rural Constellations, *Physical-Spatial Planning Quarterly*, 2015; 4: 11-20. [In Persian]
- The rural society of Iran*. second edition, Tehran: Tehran University Press, 2023. [In

- Persian]
13. Stillwell, J, Norman, P, Thomas, C, Surridge, P, In: Stillwell, J, Norman, P., Thomas, C. and Surridge, P., (eds.), *Spatial and Social Disparities*, Springer Verlag, Dordrecht, Netherlands, 2010.
 14. Anvari, H, *The Contemporary Speech Dictionary*, 9th edition, Tehran, Sokhan Publications, 2014
 15. Chalabi, M, *Sociology of order*, Tehran, Nashreney, Tenth edition, 2023. [In Persian]
 16. Chakravorty, S, A Measurement of Spatial Disparity: The Case of Income Inequality, *Urban Studies*, 1996; 9: 1671- 1686.
 17. Iamtrakul, P, Chayphong, S, Gao, W, Assessing spatial disparities and urban facility accessibility in promoting health and well-being, *Transportation Research Interdisciplinary Perspectives*, 2024; 25: 1-14.
 18. Paula Caldas, M, Marshalian, M, Veneri, P, *Assessing Spatial Disparities in Internet Quality using__Speed Tests*, OECD, 2023. Available in: <https://www.oecd.org/termsandconditions>
 19. World Commission on Environment and Development (WCED). *Our Common Future. [report of the] World Commission on Environment and Development*, 1987. Available in: <http://www.un-documents.net/wced-ocf.htm>
 20. Zuindeau, B, Spatial Approach to Sustainable Development: Challenges of Equity and Efficacy, *Regional Studies*, 2006; 40; 459 –470.
 21. Gurria, A, *A new rural development paradigm*. translated by: Moosa Anbari and Hassan Momeni, Tehran: Andisheh Ehsan Publications, first edition, 2020. [In Persian]
 22. Doughlass, M, A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia, *Third World Planning Review*, 1998; 20 (1). <http://dx.doi.org/10.3828/twpr.20.1.f2827602h503k5j6>
 23. Allen, A., Environmental planning and management of the peri-urban interface: perspectives on an emerging field, *Environment & Urbanization*, 2003; 15: 135-148. <http://dx.doi.org/10.1177/095624780301500103>
 24. Taleb, M, Anbari, M, *Rural sociology with an emphasis on change and development in*.
 25. Baker, Th L, *Doing social research*. translated by: Hoshang Naibi, Tehran: Nei, 2011. [In Persian]



26. Saidi, A, Structural-Functional Dynamics: An Alternative Approach in Spatial Planning, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 2012; 1: 1-18. [In Persian]
27. Chaichian, M A, *Town and Country in the Middle East, Iran and Egypt in the Transition to Globalization 1800-1970*. translated by: Hamidreza Parsi and Arezoo Aflatuni, Tehran: Tehran University Press. 2009. [In Persian]
28. Statistical Center of Iran, *Statistical Yearbooks 1400, 1399, 1395, 1390, 1385, 1369, 1350*. [In Persian]
29. https://amar.org.ir/Portals/0/Files/baravord/last26021401.xlsx?ver=MPny2GnWKDiZyT_-DE56DQ%3d%3d, available in: October 2024,
30. World Bank, *The World Development Indicators*. (database), World Bank, Washington DC, 2023c. available in: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=IR>
31. Moshfegh, M, *Internal Migrations in Iran: levels, Trends and Determinants*. Ph.D dissertation in Demography, Faculty of Social Sciences: University of Tehran, 2010. [In Persian]
32. Kazemipour, Sh, *The trends of urbanization and spatial distribution of population in Iran*. collection of articles of the National Conference on Population, Superiority and Strategies. The first volume, Tehran: National Organization for Civil Registration of Iran, 2012. [In Persian]
33. Mahmoudian, H, & Ghasemi Ardahai, A, Internal migrations and urbanization in Iran, in: *Population Trends and Situation in the Islamic Republic of Iran*. Producer: Mohammad Jalal Abbasi Shawazi, National Population Studies & Comprehensive Management Institute, 2017. [In Persian]
34. Statistical Center of Iran, Office of Population, *Labor Force and Census, Population and Health Group*, Analytical report: Studying the trend of changes in the structure and composition of the country's population and its future until the horizon of 1430 solar year based on the results of the 2016 General Population and Housing Census, Project Manager: Elham Fathi, 2019a. [In Persian]
35. Statistical Center of Iran, *Population, Labor and Census Bureau, Investigating the characteristics of immigrants and non-immigrants in the period 2011-2016*, 2019b. [In Persian]
36. https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1398/N_brtsvtjkvaato1430.pdf. Available in October 2024.

37. Athari, K, *An introduction to the new paradigm of agricultural and rural development in Iran*. Tehran: Ney, 2019. [In Persian]
38. Statistical Center of Iran, *Macroeconomic and social indicators of the country*, Tehran: Office of the President, Public Relations and International Cooperation, 2022. [In Persian]
39. Ajza Shokouhi, M, Qarkhloo, M, Khazae-nejad, F, Factors Affecting the Population of New Satellite Cities (Case Study: New City of Thought), *Human Geography Research*, 2013; 79: 75-86. [In Persian]
40. Zanganeh Shahraki, S, Adalaty Ranjbar, M, Yari Hesar, A, The role of Mehr housing in demographic changes and immigration acceptance of cities, *Quarterly Journal of Future Cities Vision*, 2023; 4: 25-42. [In Persian]
41. World Bank, *The World Development Indicators*. (database), World Bank, Washington DC, 2023d. available in: <https://data.worldbank.org/indicator/NV.IND.TOTL.ZS?locations=IR>
42. World Bank, *The World Development Indicators*. (database), World Bank, Washington DC, 2023b. available in: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&country=IRN>
43. Anbari, M, Piri, S, Poverty and Deprivation problems in post-Revolutionary Iran, *Middle Est Critique*, 2023; 32: 4, 471, <https://doi.org/10.1080/19436149.2023.2263827>
44. Fotros, M H, Shahbazi, F, Studying the status of poverty and inequality in urban and rural areas of Iran during the years before and after the implementation of the Targeted Subsidies Law (1382-1391), *Quarterly Journal of Fiscial and Economic Policy*, 2015; Year 3, Issue 9: 7-36. [In Persian]
45. Raghfar, H, Ebrahimi, Z, *Poverty in Iran during the years 1989-2004*, Social Welfare Quarterly, Year 6, Issue 24, 2007. [in Persian]
46. Statistical Center of Iran, Office of Population, *Labor and Household Economics, Summary of the Results of the Urban and Rural Household Income and Expenditure Survey for the Year 1401*, 2023. [In Persian]
47. Kherad Engineering Department, *The history of development in Iran. Second Office*. Tehran: Loh-e-Fekar, 2020. [In Persian]
48. OECD, *Understanding the Digital Divide*, OECD Publications, Paris, 2001.